

نصيحة لكل مسيحي يريد التعرف على الحق:

نصیحتی به هر مسیحی که خواهان شناخت حق است:

س ۱۷/ بماذا تنصح المسيحي للتعرف على الحق والتصديق
ببنوة محمد ﷺ من خلال الإنجيل؟

پرسش ۷: چه توصیه‌ای به یک مسیحی می‌نمایید تا حق را بشناسد و
پیامبری محمد ﷺ را از طریق انجیل تصدیق کند؟

الجواب: نصیحتی لكل مسيحي حر ليعرف الحق أن يجعل
مقياسه قول عيسى ع: «.. وكان يخرج شيطاناً وكان ذلك أحرص.
فلما أخرج الشيطان تكلم الأحرص. فتعجب الجموع. 15 وأما قوم
منهم فقالوا ببعلزبول رئيس الشياطين يخرج الشياطين. 16
وآخرون طلبوا منه آية من السماء يجربونه. 17 فعلم أفكارهم وقال
لهم كل مملكة منقسمة على ذاتها تخرب. وبيت منقسم على بيت
يسقط. 18 فإن كان الشيطان أيضاً ينقسم على ذاته فكيف تثبت
مملكته...» الأصحاح الحادي عشر - إنجيل لوقا.

پاسخ: نصیحت بنده به هر مسیحی آزاده برای شناخت حق، این است که
سخن عیسی ع را میزان سنجش خود قرار دهد: «... عیسی دیوی لال را از
کسی بیرون می‌کرد. چون دیو بیرون رفت، مرد لال توانست سخن بگوید و
مردم در شگفت شدند. ۱۵ اما برخی گفتند: او دیوها را به یاری بعلزبول
رئیس دیوها- بیرون می‌کند. ۱۶ و دیگران نیز به قصد آزمودن او خواستار
آیتی آسمانی شدند. ۱۷ او افکار آنان را درک کرده، به ایشان گفت: هر
حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر خانه‌ای که بر
خود تجزیه شود، فرو خواهد ریخت ۱۸ اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه
شود چگونه حکومتش پایدار بماند.»^(۱)

فمن يؤمنون بالإنجيل ليقروا نصوصاً من القرآن ويتدبروها
بإنصاف، ثم على ضوء النص الإنجيلي السابق: هل يمكنكم
اعتبار هذه النصوص شيطانية كما يفعل الموتورون الذين لا هم
لهم إلا سب محمد ﷺ؟

کسی که به انجیل ایمان دارد، باید متونی از قرآن را بخواند و با انصاف در
آن تدبر نماید. به علاوه براساس متن پیشین انجیل، آیا می‌توانید این متون را
شیطانی بدانید، به همان صورت که کسانی که تلاششان فقط توهین به
محمد ﷺ است، چنین کاری را انجام می‌دهند؟

وهذه أمثلة من النصوص القرآنية:

و اینها نمونه‌هایی از متون قرآنی است:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي
هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [النحل: ۱۲۵].

((مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و
با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی
که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر و به هدایت‌یافتگان داناتر
است)) (۲).

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ
وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ [النساء: ۳۶].

((خدای را بپرستید و هیچ چیز را شریک او مسازید و با پدر و

مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه‌ی خویشاوند و همسایه‌ی بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید؛ هر آینه خداوند متکبران فخر فروشان را دوست ندارد)) (۳).

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸].

((و با تکبر از مردم روی مگردان و به خودپسندی بر زمین راه مرو؛ زیرا خدا هیچ خود پسندِ فخر فروشی را دوست ندارد)) (۴).

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [الحديد: ۲۳].

((تا بر آنچه از دستتان رفته است اندوهگین نباشید و به آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد)) (۵).

فليقرأوا هذه الآيات من سورة الإسراء ويسألوا أنفسهم:

آیات زیر از سوره‌ی اسرا را بخوانند و از خودشان بپرسند:

هل الشيطان يدعو لعبادة الله وحده؟ هل الشيطان يدعو لمكارم الأخلاق، والإحسان للوالدين وللفقراء، وإنفاق المال ومساعدة من يحتاج للمساعدة، وينهى عن القتل، وعن الزنا، وعن الاعتداء على مال اليتيم، ويأمر بالإيفاء بالوعد، والإيفاء بالكيل؟

۳- نسا: ۳۶.

۴- لقمان: ۱۸.

۵- حدید: ۲۳.

آیا شیطان به پرستش تنها خداوند دعوت می‌کند؟ آیا شیطان به اخلاق نیکو، نیکی به پدر و مادر و فقرا، انفاق مال و کمک به آنکه نیازمند به مساعدت است دعوت می‌کند؟ و از کشتار، زنا و تجاوز بر مال یتیم باز می‌دارد؟ و به وفای عهد و کامل کردن پیمانہ دستور می‌دهد؟

وإذا كان الشيطان يأمر بهذه الأخلاق الطيبة فالله سبحانه
وتعالى يأمر بماذا عندهم ؟

اگر شیطان به این اخلاق پاک دعوت می‌کند، پس در نظر اینان، خداوند سبحان و متعال به چه چیزی دعوت می‌کند؟!

أليست هذه هي وصايا كل الأنبياء وحكمتهم التي جاءوا بها
من عند الله:

آیا اینها همان وصیت‌های همه‌ی پیامبران و حکمت‌شان که از سوی خداوند آورده‌اند، نیست؟

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا @ وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا @ وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا @ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا @ وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا @ إِنْ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا @ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا @ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا @ إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطَ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا @ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطْئًا كَبِيرًا @ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا @ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا @ وَلَا تَقْرَبُوا
 مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ
 الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا @ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ
 الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا @ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ
 السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا @ وَلَا تَمْشِ فِي
 الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا @ كُلَّ
 ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا @ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ
 الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا
 مَدْحُورًا ﴿الإسراء: ٢٢ - ٣٩﴾.

((همراه خدا معبود دیگری قرار مده، که نکوهیده و خوار
 خواهی ماند * پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید، و
 به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دو در کنار
 تو سالخورده شوند، به آنان «أف» (کمترین درشتی) مگو و به
 درشتی خطاب مکن و با آنان با اکرام سخن بگوی * و از سر
 مهربانی بال تواضع برایشان بگستران و بگو: ای پروردگار من!
 بر آنها رحمت آور، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند *
 پروردگارتان به آنچه در دل هایتان می‌گذرد داناتر است، و اگر از
 صالحان باشید قطعاً او آمرزنده‌ی توبه‌کنندگان است * و حق
 خویشاوندان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هیچ
 اسرافکاری مکن * که اسرافکاران برادران شیاطین‌اند و
 شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است * و اگر به
 انتظار رحمتی که از جانب پروردگارت امید می‌داری از آنها
 روی می‌گردانی، پس با آنها به نرمی سخن بگوی * نه دست
 خویش از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره
 بگشای که ملامت زده و حسرت خورده بنشینی * به درستی که
 پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می‌دهد، یا تنگ
 می‌گیرد؛ که او به بندگانش آگاه‌بینا است * فرزندان خود را از بیم
 تنگ‌دستی مکشید؛ این ما هستیم که هم آنها را روزی می‌دهیم و
 هم شما را؛ کشتن‌شان خطایی است بزرگ * و به زنا نزدیک
 مشوید؛ که زنا کاری است زشت و شیوه‌ای است ناپسند * و نفسی
 را که خدا حرام کرده است جز به حق نکشید، و هر کس که

مظلوم کشته شود به سرپرست خون او قدرتی داده‌ایم؛ ولی نباید در قتل زیاده‌روی کند، که او یاری شده است* و جز به وجهی نیکوتر به مال یتیم نزدیک مشوید تا آنگاه که به حدّ رشد رسد، و به پیمان خویش وفا کنید که از پیمان بازخواست خواهد شد* و چون پیمانه کنید، پیمانه را کامل گردانید و با ترازویی درست وزن کنید؛ که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است* و از پی آنچه علمی به آن نداری مرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را از آن بازخواست کنند* و به سرمستی و نخوت بر زمین راه مرو، که هرگز زمین را نخواهی شکافت و به بلندی کوه‌ها نخواهی رسید* همه‌ی اینها بدش نزد پروردگار تو ناپسند است* اینها از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است و همراه با خدای یکتا، معبود دیگری قرار مده، که ملامت شده و مطرود به جهنم افکنده شوی)) (۶).

عَارُ عَلَى الْمَسِيحِينَ وَأَيُّ عَارٍ وَخِزْيَ أَنْ يَهْمَلُوا قَوْلَ عَيْسَى:
«كل مملكة منقسمة على ذاتها تخرّب. وبيت منقسم على بيت يسقط. 18 فإن كان الشيطان أيضاً ينقسم على ذاته فكيف تثبت مملكته»، ولا يجعلونه مقياساً يقايسون به ما جاء في القرآن ليعلموا أنه من عند الله.

این ننگ و عاری است بر مسیحیان، و کدام ننگ و عاری بالاتر از اینکه سخن عیسی را رها کنند: «هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر خانه‌ای که بر خود تجزیه شود، فرو خواهد ریخت ۱۸ اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شود چگونه حکومتش پایدار بماند» و آن را میزان و مقیاسی قرار ندهند تا آنچه را که در قرآن آمده با آن قیاس کنند تا بدانند که از سوی خداوند است.

أليس هذا هو قياس عيسى ع، فلماذا الإعراض عنه؟! هل
تؤمنون ببعض كتابكم وتكفرون ببعض؟

مگر این میزان عیسی ع نیست؟ پس روی گردانی از آن، از چه رو؟ آیا شما

به برخی از کتاب‌تان ایمان دارید و به برخی کفر می‌ورزید؟!

انظروا للقرآن وتدبروا ما فيه من الحكمة والدعوة إلى الخير وإلى التحلي بالأخلاق الطيبة الكريمة، فكيف يكون من الشيطان السفیه الذي يدعو إلى الشر وإلى الأخلاق الذميمة، هل الشيطان منقسم على نفسه؟ هل مملكة الشيطان منقسمة على نفسها؟

قرآن را ببینید و در آنچه از حکمت و دعوت به خوبی و آراسته شدن به اخلاق پاک بزرگوارانه در آن است تدبّر کنید. چطور می‌تواند از سوی شیطان سفیه و نادان باشد که به شر و بدی و اخلاق نکوهیده فرا می‌خواند؟! آیا حکومت شیطان بر ضد خود تجزیه می‌شود؟

أليس هكذا علمكم عيسى ع أن تميزوا الحق من الباطل. فهل أنتم غير قادرين على التمييز بين الحكمة والسفه، بين الخير والشر، بين الأخلاق الطيبة وبين الأخلاق الذميمة؟

آیا این همان میزانی نیست که عیسی ع به شما آموخت تا حق را از باطل تشخیص دهید؟ آیا شما توانایی تمایز قائل شدن میان حکمت و سفاهت، خوبی و بدی، اخلاق پاک و اخلاق نکوهیده را ندارید؟

وهل أنتم تعتقدون أن الشيطان ومملكته منقسمة على نفسها، فمرة تدعو للخير ومرة للشر؟ مرة للأخلاق الكريمة ومرة للأخلاق الذميمة؟

آیا شما اعتقاد دارید که شیطان و حکومتش بر ضد خود تجزیه می‌شود؟ یک بار به خوبی دعوت می‌کند و بار دیگر به بدی؟! یک بار به اخلاق بزرگوارانه و بار دیگر به اخلاق نکوهیده؟!

«كل مملكة منقسمة على ذاتها تخرب. وبيت منقسم على بيت يسقط. 18 فإن كان الشيطان أيضاً ينقسم على ذاته فكيف تثبت مملكته».

«هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر خانه‌ای که بر خود تجزیه شود، فرو خواهد ریخت ۱۸ اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شود چگونه حکومتش پایدار بماند».

كما أنصح كل مسيحي يخاف سوء العاقبة أن يلتفت إلى أن ما طرحه كنائسهم الآن وهو أن عيسى ع لاهوت مطلق، قد خالفه فيما سبق كثير من المسيحيين ومنهم أريوس، وهم من كبار علماء المسيحيين، وكان ولا يزال كثير من المسيحيين كشهود يهوا لا يعتقدون بهذه العقيدة الباطلة السفیهة التي يردّها الإنجيل والعقل. وقد بيّنت بطلانها في كتاب التوحيد بنص إنجيلي لا يقبل التأويل واللبس، وبالدليل العقلي الواضح البين (7).

همان‌طور که هر مسیحی که از بدی فرجام در هراس است را نصیحت می‌کنم که به آنچه هم‌اکنون کلیسای ایشان مطرح می‌کنند، با دقت بنگرند؛ اینکه عیسی ع لاهوت مطلق است! بسیاری از مسیحیان پیش‌تر با این مسأله مخالفت نمودند؛ از جمله آریوس که از بزرگان علمای مسیحی بود، و از دیرباز و همواره بسیاری از مسیحیان مانند شاهدان یهوه- به این عقیده‌ی باطل سفیهانه- که انجیل و عقل آن را رد می‌کند- اعتقاد نداشته و ندارند؛ که باطل بودن آن را در کتاب توحید و با متن انجیلی که هیچ تأویل و پوشیدگی در آن راه ندارد و با دلیل عقلی روشن و واضح بیان نموده‌ام.^(۸)

7. انظر الملحقين (1) و (2). وأما النص فقال ع في كتاب التوحيد ما يلي: (فصل الخطاب من الإنجيل "عيسى سلام الله عليه يجهل الساعة": عيسى يقول عن نفسه إنه يجهل الساعة التي تكون فيها القيامة الصغرى: «وأما ذلك اليوم وتلك الساعة فلا يعلم بهما أحد ولا الملائكة الذين في السماء ولا الابن إلا الأب»، والجهل نقص بينما اللاهوت المطلق كامل مطلق لا يعتريه نقص أو جهل؛ لأنه نور لا ظلمة فيه، فالجهل يعتري المخلوق لوجود الظلمة في صفحة وجوده. إذن، عيسى ع نور وظلمة وهذا يثبت المطلوب أن عيسى ليس لاهوتاً مطلقاً، بل عبد مخلوق من ظلمة ونور، وليس نوراً لا ظلمة فيه تعالى الله علواً كبيراً. وفي هذا فصل الخطاب وبيان وموعظة لأولي الألباب..).

۸- به پیوست ۱ و ۲ مراجعه نمایید. اما متن: ایشان ع در کتاب توحید می‌فرماید: «فصل الخطاب از انجیل. عیسی ع از ساعت (رستاخیز) بی‌اطلاع است. عیسی ع درباره‌ی خودش می‌گوید که از ساعت که در آن قیامت صغری بر پا می‌شود بی‌اطلاع است: «و اما از آن روز و ساعت هیچ کس خبر ندارد، نه فرشتگان آسمان و نه پسر، فقط پدر از آن آگاه است». جهل، نقص است، حال آنکه لاهوت مطلق، کامل مطلق است و نقص یا جهل در آن راه ندارد؛ زیرا او نوری بدون ظلمت است ولی مخلوق به دلیل ظلمتی که در صفحه‌ی وجودی او هست، جهل او را فرا می‌گیرد. بنابراین عیسی ع نور و ظلمت (با هم) است و این مطلوب را اثبات می‌کند که عیسی ع لاهوت مطلق نیست، بلکه بنده‌ای آفریده شده از نور و ظلمت می‌باشد و نه نوری بدون ظلمت، تعالی الله علواً كبيراً. این مطلب، فصل الخطاب و کلامی حکمت‌آمیز و موعظه‌ای برای صاحبان خرد و اندیشه است...».

